

انواع مغالطه درونی

استدلال مباشر

تقیض موجه کلیه، سالبه کلیه دانسته شود، آن گاه از کذب قضیه (هر حیوانی انسان است) صدق قضیه (هیچ حیوانی انسان نیست) نتیجه گرفته شود.

اگر در استنتاج و اکتساب یک تصدیق، رعایت ارکان و شرایط آن نشود، مغالطه صورت گرفته است.

قیاس

۱- تشکیل قیاس از دو مقدمه جدا از هم، که هر کدام در حقیقت یک قضیه باشد.

فقط انسان شاعر است؛ هر شاعری حیوان است. پس فقط انسان حیوان است.

استقرا

تمثیل

استدلال غیر مباشر

۲- تکرار حد اوسط

الف) جوهر لفظ

جایی که دلالت لفظ بر عانی متعدد به سبب ماده لفظ باشد.
انگور شیرین است؛ شیرین اسطوره داستانی است؛ پس انگور اسطوره داستانی است.

ب) هیئت لفظ

جایی که منشاء تعدد معنای افظ، هیئت باشد.
هیئت ذاتی
هیئت عرضی
خداوند مختار است؛ هر مختاری معلول است. پس خداوند معلول است.
خداوند موجب است؛ هر موجبی معلول است. پس خداوند معلول است.

ج) ترکیب

منشاء تعدد، ترکیب است.
نفس ترکیب، اقتضای تعدد می کند.
اگر کسی در حق امام علی (ع) چیزی بگوید؛ او شایسته آن است؛ لیکن کسی در حق امام علی (ع) چپی گفته است. پس او شایسته آن است.
توهم وجود ترکیب، اقتضای تعدد می کند.
عدد پنج، زوج و فرد است؛ هر عددی که زوج و فرد باشد زوج است. پس عدد پنج زوج است.
توهم عدم وجود ترکیب، اقتضای تعدد می کند.
آب، هیدروژن و اکسیژن است؛ هیدروژن و اکسیژن قابل احتراق اند. پس آب، قابل احتراق است.

۳- اگر قیاس اقترانی است شرایط مخصوص به هر شکل، و اگر استثنایی است،

شرایط مخصوص به انفصالی و اتصالی در آن رعایت شود. حسین پزشک نیست؛ هر پزشکی عالم است. پس حسین عالم نیست.

۴- شرایط مخصوص ماده قیاس در آن رعایت شود. وزیری، دلیل عدم موفقیت خود را نازک شدن لایه اوزن در جو می داند.

۵- شرایط مخصوص به نتیجه رعایت شود. هر شاعری حیوان است؛ هر شاعری انسان است. پس هر حیوانی انسان است.

